

پژوهشهای جغرافیائی - شماره ۴۰، مهر ماه ۱۳۸۰  
صص ۳۳-۴۵

## نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی\* (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی)

دکتر مهدی طاهرخانی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

استقرار صنعت در روستا و در قالب ایجاد نواحی صنعتی با هدف دستیابی به توسعه پایدار روستایی، در دهه اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان توسعه روستایی کشور بوده است. به منظور ارزیابی اثرات و پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی، با مطالعه موردی استان مرکزی در سطح ۵ ناحیه صنعتی و ۸۵ نفر از شاغلین واحدهای تولیدی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد فرصتهای شغلی برای روستائیان موفقیت‌آمیز نبوده است؛ چرا که اکثریت شاغلین نواحی صنعتی روستایی را ساکنان مناطق شهری تشکیل می‌دهند. استفاده اندک از منابع محلی، عدم صدور کالاهای تولیدی و فقدان نظام آموزشی از دیگر یافته‌های تحقیق است. بررسی شاخص‌های توسعه نزد شاغلین نواحی صنعتی و ساکن در مناطق روستایی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال، بیانگر وجود تفاوت معنادار در الگوی مصرف مواد غذایی و استفاده از کالاهای مصرفی بادوام است. همچنین مالکیت خصوصی مسکن، بیمه و تأمین اجتماعی، مشارکتهای روستایی و ضریب امنیت شغلی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در سطح آلفا ۰/۰۵ از تفاوت معناداری برخوردار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: صنعتی شدن، نواحی صنعتی روستایی، توسعه روستایی، صنایع روستایی

### مقدمه

گسترش فقر در کنار تخریب رو به تزاید منابع، چالشهای اقتصادی و فرهنگی معاصر بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. این معضلات در حیطه مناطق روستایی از عمق و پیچیدگی بیشتری برخوردار است؛ بطوریکه خصیصه غالب فرایند رشد اقتصادی در نظامهای اقتصادی رو به توسعه پس از جنگ، بجز چند مورد استثناء، تداوم و یا احتمالاً تشدید فقر روستائیان بوده است. در این بین، گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را بعنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند: صنعتی شدن روستایی در چارچوب طرح جامع ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداختها، به سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و

کاهش عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای، امری اجتناب‌ناپذیر در فرایند توسعه اقتصادی است.<sup>(۱)</sup> نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی بعنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار<sup>(۲)</sup> و بعنوان آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم‌اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود (سامال، ۱۹۹۷، ص ۵۷). این دیدگاه معتقد است صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی عاملی مهم در افزایش رفاه<sup>(۳)</sup> و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده‌های فقیر روستایی است (لیدهولم، ۱۹۹۴، ص ۴۸). تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای اثرات تکاثری<sup>(۴)</sup> باشد؛ بطوریکه تجربیات کشورهای متعدد نشان می‌دهد که هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد نموده، بلکه منجر به اقتصاد خودرانشی<sup>(۵)</sup> می‌گردد (میسرا، ۱۹۹۰، ص ۱۵).

بدین ترتیب لازم است تا در یک ارزیابی جامع، ضمن آشنایی با مفهوم صنعتی شدن روستا و عوامل مؤثر بر آن، پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. در طی یک دهه برنامه‌ریزی برای استقرار صنعت در روستا و در قالب ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی کشور که هم‌اینک تعداد آن به ۱۵۰ ناحیه صنعتی رسیده است، بر آن شدیم تا در یک مطالعه موردی در پهنه جغرافیایی استان مرکزی و در سطح ۵ ناحیه صنعتی روستایی آن، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ایجاد نواحی صنعتی در نزد شاغلین ساکن در روستا را در بوته آزمون قرار داده تا پاسخگوی این سؤال باشیم که:

آیا ایجاد نواحی صنعتی روستایی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی گامی در جهت توسعه مناطق روستایی استان مرکزی بوده است؟

در تبیین سؤال مزبور، ضمن توجه به اهداف کمی و کیفی توسعه، بر نقش نواحی صنعتی در تغییر شاخص‌های اساسی توسعه در دو دوره قبل و بعد از اشتغال یعنی امنیت غذایی، نیازهای اساسی خانوار (مصارف غیر خوراکی)، امنیت شغلی، مشارکت در امور روستا، میزان و کیفیت گذران اوقات فراغت، میل به تداوم زندگی در محیط روستا، بیمه و تأمین اجتماعی و وضعیت مسکن پرداخته شده است.

### نواحی صنعتی روستایی

تفکر ایجاد نواحی صنعتی روستایی در کشور ما دارای قدمت طولانی نیست؛ چنانچه تکوین این ایده بعنوان یک مبنای نظری برای توسعه روستایی و اجرای آن با کمتر از دو دهه سابقه، با تولید وزارت جهاد کشاورزی، در زمره طرح‌های نوپا محسوب می‌شود، اما در سایر کشورهای در حال توسعه چون کشورهای آمریکای لاتین، کشورهای جنوب‌شرقی آسیا و نیز پاره‌ای از کشورهای آفریقایی، تفکر ایجاد نواحی صنعتی روستایی دارای قدمتی بیش از پنج دهه است.<sup>(۶)</sup>

تاکنون تعاریف متعددی نیز در خصوص نواحی صنعتی روستایی صورت پذیرفته که بعضاً نقاط مشترک فراوانی

1- Thakur.Y.Shrinivas, 1958:8

3- Welfare Augmanting

5- Self-Propling

2- Sustainable Employment

4- Multipleir Effects

6- Uribe Echevarria, 1991:10)

را می توان در آنها مشاهده نمود. گروهی معتقدند:

«ناحیه صنعتی قطعه زمینی است چند هکتاری و غیر زراعی که در مجاورت یک یا چند روستای بزرگ قرار دارد و در این قطعه زمین چند کارگاه کوچک فعالیت می کنند.»

در تعریفی دیگر ناحیه صنعتی روستایی اینگونه تعریف می شود:

«ناحیه صنعتی روستایی زمین عمران شده ای است که در موقعیت مناسب از نظر مرکزیت داشتن به چند روستا استقرار یافته و جهت احداث صنایع روستایی بر اساس طرح جانمایی و مقررات خاص ایجاد می گردد و معمولاً تمام یا قسمتی از تسهیلات و خدمات از قبیل آب، برق، خیابانهای دسترسی، آتش نشانی، خدمات عمومی و رفاهی نظیر بانک، پست و درمانگاه در آن ارائه می شود.» (رحیم نیا، ۱۳۷۱، ص ۱۹)

در پاره ای از تفاسیر گروهی با تأکید بر مجتمع ها و شهرکهای صنعتی واقع در حاشیه مناطق شهری، ضمن مقایسه نواحی صنعتی روستایی با این مناطق معتقدند:

«تصویر ناحیه صنعتی در جوامع شهری عبارت است از متمرکز نمودن صنایع در مناطق مشخص به منظور جلوگیری از پراکندگی آنها و ارائه خدمات مورد نیاز واحدها و ایجاد زمینه های لازم برای رشد و توسعه صنایع.

ناحیه صنعتی در روستا نیز ضمن دارا بودن تمام خصوصیات نواحی صنعتی شهری محیطی است مناسب برای دستیابی به اشتغال و عرضه خدمات صنعتی و بالا بردن سطح اطلاعات تخصصی که در مناطق شهری دسترسی بدان آسان بوده ولی روستائیان از این نظر در مضیقه می باشند. لذا ایجاد ناحیه صنعتی روستایی در چارچوب ضوابطی است که بتواند جوابگوی نیازهای صنعتی مناطق روستایی باشد و در این بین لازم است طرح ایجاد نواحی صنعتی کاملاً توجیه پذیر باشد.» (معاونت عمران و صنایع روستایی، ۱۳۷۲، ص ۳۸)

با تبیین نظریه های مرتبط با صنعتی کردن مناطق روستایی، استنباط می شود که صنعتی شدن مناطق روستایی به معنای استقرار صنعت در تمامی مراکز روستایی نیست؛ بلکه هدف از فرآیند صنعتی شدن، ایجاد قطبهای صنعتی در مراکز منتخب روستایی است تا این مراکز بتوانند ضمن بهره برداری از منابع محلی، مکان مناسبی برای تحت پوشش قرار دادن مراکز روستایی پیرامون خود باشند. بدین منظور بنظر می رسد که مفهوم صنعتی شدن روستایی تا حدود زیادی می تواند مترادف با ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی باشد.

### اثرات و پیامدهای صنعتی شدن روستا

پدیده ملموس پنج دهه اخیر کشورهای در حال توسعه، افزایش قابل توجه نابرابریهای منطقه ای است. در جهت غلبه بر این روند، تاکنون استراتژیهای متفاوتی اتخاذ شده که هدف آن دستیابی به توسعه روستایی از طریق بسط هماهنگ فعالیت های کشاورزی، صنایع روستایی و ارائه خدمات زیربنایی است. صنعتی شدن می تواند نقش معناداری در توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره وری، ایجاد فرصتهای شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخشهای اقتصادی بوجود آورد. این مهم از طریق جهت بخشی به تقاضای محلی بخصوص تقاضا در نواحی روستایی صورت می پذیرد. بررسیهای موردی پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی آنچنان که جدول (۱) تصریح دارد، می تواند به دستیابی شاخصهای رفاه چون ایجاد اشتغال، توازن منطقه ای، رونق کشاورزی، افزایش امکانات رفاهی، رونق آموزش، افزایش مشارکتهای روستایی، امنیت غذایی و کاهش مهاجرت های روستایی منجر گردد.

جدول ۱- روند اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی با توجه به ادبیات موجود

سال تحقیق	کشور مورد بررسی	محقق	اثرات صنعتی شدن روستا
۱۹۷۴	آمریکا	جان.ام.پترسون	۱) ایجاد اشتغال پویا - افزایش درآمد
۱۹۷۷	آمریکا	ال.وای.گودرای	۲) کاهش مهاجرت‌های روستایی
۱۹۷۸	چین	دوایت پرکینز	۳) ایجاد اشتغال برای بیکاران فصلی - تمرکززدایی - ایجاد درآمد - افزایش رفاه (مسکن، بهداشت، پس‌انداز)
۱۹۷۸	آمریکا	دیوید راجرز	۴) ایجاد اشتغال پویا - افزایش درآمد
۱۹۷۹	مکزیک	اچ.میشل	۵) کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای
۱۹۷۹	اتیوپی	بی.ولد.سمه	۶) کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای - توسعه مهارت‌های جدید تولیدی - اجتماعی شدن فعالیت‌های تولیدی
۱۹۸۰	چین	سی.پی.ونگ	۷) افزایش سرمایه‌گذارهای روستایی - ایجاد اشتغال
۱۹۸۲	چین	اس.بهالا	۸) افزایش متوسط درآمدها
۱۹۸۵	فیلیپین - کره جنوبی	اس.ک.رائو	۹) گسترش صادرات روستایی
۱۹۸۵	تایوان	جی.تی.شی	۱۰) تخصص‌گرایی - توازن منطقه‌ای - افزایش درآمدهای محلی - افزایش ضریب اشتغال
۱۹۹۴	هند	جی.آبراهام	۱۱) افزایش درآمد - استفاده از منابع محلی - تحکیم الگوی عدم تمرکز
۱۹۹۴	تایلند	کارل لیدهولم	۱۲) همگن نمودن وثبات درآمدی و شغلی
۱۹۹۴	چین	اسلام ریزوانول	۱۳) افزایش درآمد - تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام
۱۹۹۶	هند	آلکا پارینخ	۱۴) کاهش فقر - افزایش آگاهیها - رونق آموزش - سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی
۱۹۹۶	چین	اسکاپ	۱۵) رواج کشاورزی - افزایش درآمد - کاهش مهاجرت‌های روستایی

تنظیم: مهدی طاهرخانی - مأخذ: با استفاده از ادبیات موجود

### قلمرو جغرافیایی نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی

با توجه به لزوم گسترش صنایع روستایی در قالب نواحی صنعتی و در جهت حل معضل بیکاری مناطق روستایی استان مرکزی، از اوایل برنامه اول توسعه، تفکر ایجاد نواحی صنعتی در مراکز روستایی مستعد با استفاده از کمک‌های دولتی و مشارکت سیستم بانکی و استفاده از سرمایه‌های متقاضیان به عنوان راه حلی مناسب جهت توسعه صنایع روستایی در راستای ایجاد اشتغال برای روستائیان مورد توجه قرار گرفت.

در این بین تاکنون کار مطالعات اولیه و احداث تعداد ۱۹ ناحیه صنعتی به انجام، تعداد ۸ ناحیه به پایان و تعداد ۶ ناحیه صنعتی به بهره‌برداری رسیده است. جهت احداث ۸ ناحیه صنعتی مطالعه شده که به وسعت ۲۲۵ هکتار با ظرفیت ۴۹۲ واحد صنعتی در شهرستانهای سرپند، ساوه، اراک، تفرش، دلجان، آشتیان و محلات توزیع شده‌اند، تاکنون جمعاً ۱۴۳۴ میلیون ریال اعتبار دولتی هزینه گردیده که پیش‌بینی اشتغالی معادل ۶۵۹۰ نفر را داراست. جدول شماره ۲ مشخصات نواحی صنعتی مطالعه شده و در حال بهره‌برداری استان مرکزی را نشان می‌دهد.

جدول ۲- مشخصات نواحی صنعتی به پایان رسیده و در حال بهره‌برداری

ناحیه صنعتی	محل اجرا		ظرفیت (قطعه)	زمینهای واگذار شده	واحدهای به بهره‌برداری رسیده	پیش‌بینی اشتغال (نفر)
	شهر	روستا				
شهید بابایی	سرپند	بازنه	۱۵۰	۳۹	۱۲	۲۲۵۰
شهید مهدی پرندهک	ساوه	پرندهک	۱۰۸	۱۰۸	۲۳	۱۵۰۰
شهدای خنداب	اراک	خنداب	۳۱	۹	۱	۳۶۰
سعیدیه	تفرش	سعیدیه	۲۷	۱۲	۱	۳۲۰
شهدای راونج	دلجان	راونج	۶۲	۳۲	۱۴	۷۵۰
شهدای گرکان	آشتیان	گرکان	۳۱	۲	-	۳۶۰
شهید فروزان	اراک	کرکان	۳۹	۶	-	۴۵۰
شهید حبیبی نخجیروان	محلات	نخجیروان	۴۴	۱۶	۸	۶۰۰
جمع			۴۹۲	۲۲۴	۵۹	۶۵۹۰

مآخذ: نگاهی به عملکرد صنایع روستایی سازمان جهاد سازندگی استان مرکزی، ۱۳۷۷، صفحه ۱۲

از مجموع ۲۲۴ قطعه زمین واگذار شده تا اواسط سال ۱۳۷۸ تنها ۷۰ واحد معادل ۳۱/۳ درصد به مرحله بهره‌برداری رسیده‌اند که از این تعداد نیز ۱۵ واحد بصورت غیر فعال و ۲ واحد بطور نیمه فعال بوده‌اند. بدین ترتیب ۵۳ واحد فعال با ۳۹۰ نفر در نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی مشغول به فعالیت می‌باشند.

#### اثرات و پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی در رفاه شاغلین روستایی

یکی از مهمترین اهداف ایجاد نواحی صنعتی روستایی، ایجاد اشتغال برای جوامع روستایی است. بدین منظور از نکات برجسته در این تحقیق، بررسی ترکیب اشتغال در نواحی صنعتی و واحدهای تولیدی مرتبط با هر یک از گروههای صنعتی است.

نتایج بدست آمده از بررسی ۴۰ واحد صنعتی فعال در سطح نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی نشان می‌دهد که ۳۷۳ نفر در رده‌های مختلف شغلی در هر یک از واحدهای تولیدی مشغول به فعالیت می‌باشند که از این تعداد ۸۵ نفر معادل ۲۳/۰ درصد در مناطق روستایی و مابقی به میزان ۲۸۸ نفر ساکن مراکز شهری استان بوده‌اند.

از دیگر پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی که در مبانی نظری بدان تصریح گردید، مساعدت به ارتقاء شاخصهای توسعه در سطح شاغلین واحدهای تولیدی مستقر در نواحی صنعتی روستایی است. از آنجاییکه فرآیند توسعه روستایی مقوله‌ای چندبخشی است که متأثر از عوامل گوناگون، هویت یافته و پایدار می‌شود، براین اعتقادیم که استقرار صنعت در قالب نواحی صنعتی در مناطق روستایی می‌تواند منجر به ایجاد زمینه‌های مناسب در جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و در بلندمدت به مدد فعالیتهای مستمر و مکمل، موجب پایداری توسعه در مناطق روستایی می‌شود.

اثرات درآمدزایی و تبعات آن در سطح مناطق روستایی، یکی از مهمترین اهداف ایجاد نواحی صنعتی است. این تبعات که نمودهای آن در افزایش مصرف اعم از خرید مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام تجلی می‌یابد و به شکل گسترده‌ای نیز در تحقیقات «اسلام ریزوانول» در الگوی صنعتی شدن چین مشاهده شده است؛ بیانگر تأثیرات عمیق استقرار صنعت در مناطق روستایی چین در جهت تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و خرید کالاهای مصرفی بادوام است. «ریزوانول» معتقد است که با استقرار صنعت در مناطق روستایی، گرایش قابل توجهی به افزایش مصرف مواد غذایی و نیز خرید کالاهای مصرفی بادوام در پاره‌ای از مناطق روستایی چین بوجود آمده است. تبیین الگوی «ریزوانول» در نواحی صنعتی روستایی مورد مطالعه، از همگنی و شباهت قابل قبولی برخوردار است؛ بطوریکه تحلیل‌های آماری بدست آمده که در دو دوره قبل و بعد از اشتغال انجام پذیرفته، تفاوت معناداری بین الگوی مصرف مواد غذایی و نیز خرید کالاهای مصرفی بادوام را نشان می‌دهد. اگرچه این تغییرات معنادار بوده، اما نیازمند تعمق بیشتری است.

افزایش مصرف مواد غذایی به معنای برخورداری از سطوح مناسب و استانداردهای جهانی و در سطح متعارف کشورهای توسعه یافته نیست؛ بطوریکه اقلام مصرفی، ترکیب بسیار نامتجانسی را نشان می‌دهند. این اقلام مطابق جدول شماره ۳ اگرچه متوسطی برابر با ۲۰۵۶ کالری را روزانه برای هر فرد تامین نموده‌اند، اما از حداقل مصرف مواد پروتئینی و حداکثر مصرف کربوهیدراتها تشکیل شده‌اند، و چنانچه اکثریت شاغلین، کالری مورد نیاز خود را از انواع نان، برنج و قند و شکر تامین نموده و مصرف انواع گوشت (قرمز و سفید) در حداقل قرار داشته است.

جدول ۳- آزمون تغییرات میزان مصرف کالری در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

متغیرها	تعداد جفتها	میانگین	انحراف معیار	میزان (۱)	درجه آزادی	میزان احتمال محاسبه شده
قبل از اشتغال		۱۹۴۲	۵۷۴			
	۸۵			۲/۸۶	۸۴	۰/۰۰۵
بعد از اشتغال		۲۰۵۶	۵۵۸			

تغییرات معنادار استفاده از انواع کالاهای مصرفی بادوام مطابق جدول شماره ۴ چون تلویزیون رنگی، جارو برقی، ماشین لباسشویی و چرخ خیاطی، از مهمترین مظاهر گستردگی فرهنگ مصرف در سطح شاغلین در دو دوره قبل و بعد از اشتغال بوده که با گسترش وسیع وسایل ارتباط جمعی، امری اجتناب ناپذیر تلقی می‌شود.

جدول ۴- آزمون تغییرات استفاده از اقلام مصرفی بادوام در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

سطح معناداری	احتمال محاسبه شده	اقلام مصرفی
	۰/۳۷۵	دوچرخه
**	۰/۲۱۵	اجاق گاز
	۰/۶۲۵۰	یخچال فریزر
**	۰/۰۳۹۱	یخچال
**	۰/۰۱۵۶	چرخ خیاطی
*	۰/۰۷۰۳	جارو برقی
**	۰/۰۳۸۶	رادیو وضبط
	۰/۳۷۵۰	تلفن
	۰/۵۴۸۸	تلویزیون سیاه سفید
***	۰/۰۰۰۱	تلویزیون رنگی
***	۰/۰۰۱۸	ماشین لباسشویی
	۱/۰۰۰	موتورسیکلت
	** در سطح ۰/۰۵	* در سطح ۰/۱

از دیگر پیامدهای استقرار صنعت، ایجاد انگیزه برای مشارکتهای مردمی است. این مؤلفه که مصادیق آن در مشارکتهای مالی، مشورتی، سیاسی و عرضه رایگان نیروی کار تجلی می‌یابد، در پاره‌ای از مؤلفه‌ها مطابق جدول شماره ۵ بویژه در مشارکتهای مالی و مشورتی از تغییرات معناداری برخوردار بوده‌اند.

جدول ۵- آزمون تغییرات در انواع مشارکتهای مردمی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

سطح معناداری	میزان احتمال	مصادیق مشارکتهای روستایی
*	۰/۰۶۱۹	مشارکت مالی (طرحهای توسعه روستایی شامل مدرسه سازی، ساخت حمام ...)
*	۰/۰۶۷۹	مشارکت مشورتی (ارتباط با شوراهای اسلامی روستا)
	۰/۲۰۷۶	مشارکت عرضه نیروی کار
* در سطح ۰/۱	۰/۷۳۵۳	مشارکت سیاسی - اجتماعی (شرکت در انتخابات، راهپیماییها، ...)

تأثیرات عمیق اشتغال جدید را در بیمه و تامین اجتماعی، خرید مسکن و ایجاد روحیه مستقل‌گرایی نیز و افزایش روحیه مشارکت‌پذیری، بخصوص در ابعاد مالی و مشورتی نشان می‌دهد.

جدول ۶- آزمون معناداری تفاوت وجوه گذران اوقات فراغت در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

مؤلفه‌ها	تعداد رتبه‌های منفی	تعداد رتبه‌های مثبت	تعداد رتبه‌های برابر	میزان «Z» محاسبه شده	احتمال محاسبه شده
فعالیت‌های هنری (خطاطی، نقاشی، موسیقی)	۲	۲	۸۱	۰/۳۶۵۱	۰/۷۱۵۰
فعالیت‌های ورزشی	۱۷	۲	۶۶	۳/۱۳۸۹	۰/۰۰۱۷**
مطالعه (کتاب، روزنامه)	۶	۸	۷۱	۰/۴۰۸۰	۰/۶۸۳۲
مسافرت در محدوده شهرستان	۷	۳	۷۱	۱/۵۷۹۹	۰/۱۱۴۱
دید و بازدید در داخل روستا	۱۴	۳	۶۸	۲/۴۳۷۹	۰/۰۱۴۸**
مسافرت به خارج از استان	۱۰	۳	۷۲	۲/۲۳۶۳	۰/۰۲۵۳**
تماشای تلویزیون، ویدئو، سینما	۷	۱۰	۶۸	۰/۴۹۷۱	۰/۶۱۹۲

\*\* معنی داری تفاوت در سطح ۰/۰۵

عدم برخورداری از تفاوت معنادار در جهت مثبت در خصوص گذران اوقات فراغت شاغلین، از ابعاد قابل تعمق تحقیق است. گرچه بنظر می‌رسد که بروز مشکلات حاد اقتصادی نه تنها جوامع روستایی، بلکه جوامع شهری را نیز دچار عارضه عدم برخورداری از گذران مطلوب اوقات فراغت نموده است؛ معذک گرایش منفی گذران اوقات فراغت در فعالیت‌های ورزشی، دید و بازدیدهای درون روستایی و مسافرت به خارج از استان به نسبت دوره قبل از اشتغال از نکات قابل توجه تحقیق است (جدول ۷).

جدول ۷- آزمون معناداری تفاوت پاره‌ای از شاخص‌های توسعه در نزد شاغلین مستقر در نواحی صنعتی

مؤلفه	رتبه‌های منفی	رتبه‌های مثبت	رتبه‌های برابر	احتمال محاسبه شده
مشارکت	۷	۲۳	۳۱۰	۰/۰۰۸***
امنیت شغلی	۵	۳۰	۵۰	۰/۰۰۰***
گذران اوقات فراغت	۶۳	۳۱	۵۰۱	۰/۰۰۰***
ماندگاری در روستا (سرپرست خانوار)	۶	۸	۷۱	۰/۶۸
ماندگاری در روستا (خانواده)	۴	۶	۷۵	۰/۴۴
بیمه	۱	۴۸	۳۶	۰/۰۰۰***
مالکیت خصوصی مسکن	۲	۱۲	۷۱	۰/۰۱***
* در سطح ۰/۱      ** در سطح ۰/۰۵      *** در سطح ۰/۰۱				

امنیت شغلی و ثبات درآمدی که در تحقیقات «کارل لید هولم» بدان تصریح شده است، از دیگر پیامدهای صنعتی



شدن روستاست. اطلاعات بدست آمده در سطح شاغلین، نواحی صنعتی از رضایت نسبتاً بالایی برخوردار است. بنظر می‌رسد که فعالیت در بخش کشاورزی و عدم برخورداری از شغل مناسب در دوره قبل از اشتغال، در افزایش ضریب امنیت شغلی شاغلین نقش مؤثری را ایفاء نموده است. معذک علی‌رغم برخورداری نسبی از سطح رضایت در میان شاغلین واحدهای صنعتی، انجام فعالیتهای صنعتی بدلیل وجود پاره‌ای از محدودیتهای مکانی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی قابلیت معناداری در جهت ایجاد انگیزه برای ماندگاری جمعیت در روستا ایجاد نکرده است. بدین ترتیب تحقق الگوی ماندگاری جمعیت، که «گودرای» در مطالعات خود‌بدان پرداخته، در الگوی صنعتی شدن روستا در قالب نواحی صنعتی تحقق نیافته است؛ بطوریکه اکثریت غالب شاغلین معتقدند که در صورت فراهم شدن زمینه‌های مناسب، سکونت در شهر را نسبت به سکونت در روستا ترجیح می‌دهند. بیمه و برخورداری از تأمین اجتماعی و نیز مالکیت خصوصی مسکن از دیگر پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی است که از تفاوت معنادار به نسبت دوره قبل از اشتغال برخوردار گردیده‌اند.

### نتایج و ارائه احکام سنتزی

ارزیابی تبیین جایگاه استقرار صنعت در روستا در قالب ایجاد نواحی صنعتی روستایی با استفاده از اهداف تبیین شده در توسعه پایدار که بر حسب مورد در استان مرکزی مورد مطالعه و آزمون قرار گرفته است، با ملحوظ نمودن «اثرات اجتماعی و اقتصادی صنعتی شدن روستا» منتج به نتایج ذیل گردیده است:

با توجه به الگوی نظری منتج از پیامدهای استقرار صنعت در روستا، ماتریس ارزیابی اثرات و پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی روستایی در استان مرکزی را می‌توان مطابق جدول (۸) ترسیم نمود.

تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام و میزان مشارکت از پیامدهای بارز ایجاد نواحی صنعتی روستایی بوده‌اند. معذک دستیابی به الگوی بهینه بخصوص در زمینه ایجاد فرصتهای شغلی برای روستائیان، بازاریابی و تحرک محلی و منطقه‌ای در جهت استفاده از منابع و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نیازمند بازنگری گسترده است. نتایج بدست آمده از تبیین وضع موجود نشان می‌دهد که:

(۱) استراتژی توسعه صنعتی در قالب ایجاد نواحی صنعتی روستایی دارای «جهت‌گیری کشاورزی»<sup>(۱)</sup> نبوده، لذا تأثیر مهمی در تغییر بهره‌وری صنعتی و ایجاد «پیوند تولید»<sup>(۲)</sup> میان بخش کشاورزی و صنعت نداشته است. در همین راستا سهم صنایع روستایی نیز در رشد کشاورزی بسیار اندک است. بدین ترتیب ایجاد «پیوندهای پسین و پیشین»<sup>(۳)</sup> که شرط ضروری توسعه صنعتی متوازن است، با عدم موفقیت همراه بوده است.

(۲) علی‌رغم تبعیت الگوی صنعتی شدن روستایی کشور از دیدگاه اشتغالزایی، جذب نیروی کار ساکن در روستا از حداقل موفقیت برخوردار بوده، بطوریکه «اشتغال شهری»<sup>(۴)</sup> بر «اشتغال روستایی»<sup>(۵)</sup> تفوق داشته است.

(۳) ایجاد فرصتهای شغلی در قالب جذب نیروی کار روستایی، تابع «فشار عرضه»<sup>(۶)</sup> و نه «فشار تقاضا»<sup>(۷)</sup> بوده، لذا

1- Agriculture-led Strategy

2- Production Linkages

3- Backward & Forward Linkages

4- Urban Employment

5- Rural Employment

6- Demand Push

7- Supply Push

اشتغال روستایی از طریق ایجاد نواحی صنعتی بعنوان بخش جانشین کشاورزی و نه بخش مکمل آن عمل نموده است.

جدول ۸- ماتریس ارزیابی اثرات و پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی روستایی در استان مرکزی

ضعیف			متوسط			قوی			میزان (P) محاسبه شده	پیامدها و اثرات ایجاد نواحی صنعتی روستایی
روبه پائین	میان	روبه بالا	روبه پائین	میان	روبه بالا	روبه پائین	میان	روبه بالا		
									۰/۷۰۰۰	الگوی اشتغال (ونگ و پترسون)
									۰/۰۱۷۴	الگوی مصرف (مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام) ریزوانول
									۰/۰۰۱	الگوی رفاه * بیمه، مسکن، مشارکت
									۱/۰۰	الگوی آموزش پاریخ
									۱/۰۰	الگوی صادرات رانو
									۰/۸۰۰	الگوی استفاده از منابع محلی آبراهام
									۰/۰۰۰۱	الگوی امنیت شغلی لیدهولم
									۰/۵۶۳۹	الگوی ماندگاری جمعیت گودرای

\* گذران اوقات فراغت در این الگو از حداقل میزان برخوردار بوده است. لذا در محاسبه این الگو گذران اوقات فراغت با احتمال

۰/۹۹۹۹ منظور نشده است.

۴) استفاده از «منابع فرامحلی<sup>(۱)</sup>» به نسبت «منابع محلی<sup>(۲)</sup>» در فرآیند تولید غلبه داشته و «محلی‌گرایی<sup>(۳)</sup>» از حداقل جایگاه برخوردار بوده است.

۵) «تولید زنجیره‌ای<sup>(۴)</sup>» و پیوند با واحدهای صنعتی بزرگ از کمیت بسیار اندکی برخوردار بوده، بطوریکه تنها پاره‌ای از واحدهای تولیدی ارتباط معقول و منطقی با صنایع پیشرفته در سطوح ملی ایجاد نموده‌اند.

۶) تولید با هدف صادرات در نزد واحدهای صنعتی از حداقل جایگاه برخوردار بوده و نقش آن در فرآیند توسعه

متوازن صنعتی بسیار محدود و اندک است.

۷) تربیت و پرورش نیروهای کارآمد و ماهر در راستای آموزش شاغلین واحدهای صنعتی از حداقل توجه در نزد صاحبان صنایع برخوردار بوده است.

۸) شعاع و عملکرد نفوذ نواحی صنعتی در «پسکرانه‌های روستایی»<sup>(۱)</sup> بسیار اندک و محدود به بهره‌گیری از نیروهای ساده و روزمزد غیر رسمی است.

۹) اکثریت «کارآفرینان روستایی»<sup>(۲)</sup> را افراد غیر بومی و غیر ساکن تشکیل می‌دهند. این بدان معناست که ساختار غیر محلی بر منابع کارآفرین محلی غلبه داشته و جهت‌گیری سود حاصل از تولید نیز به خارج از منطقه هدایت می‌شود.

۱۰) تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی، استفاده از کالاهای مصرفی بادوام، تأمین بیمه، مالکیت خصوصی مسکن و گسترش ابعاد مشارکت، مهمترین پیامدهای ایجاد نواحی صنعتی در نزد شاغلین روستایی محسوب می‌شود.

از نتایج پژوهش همچنین می‌توان اطلاعات مضموری در جهت گسترش و تدقیق تئوریهای موجود در زمینه استقرار صنعت در روستا و پیامدهای آن بدست آورد که در قالب موارد ۴ گانه ذیل قابل اشاره است:

۱) اثرات استقرار صنعت در قالب ایجاد نواحی صنعتی روستایی، بیشتر اقتصادی بوده و اثرات اجتماعی و فرهنگی آن در حداقل قرار می‌گیرد.

۲) مهمترین پیامد حضور صنعت در مناطق روستایی و در نزد شاغلین آن، گسترش استفاده از کالاهای مصرفی بادوام و گرایش به کالاهای تجملی علیرغم پایین بودن بسیاری از شاخصهای توسعه است.

۳) الزاماً گسترش فرصتهای شغلی در مناطق روستایی منجر به ماندگاری جمعیت در روستا نخواهد شد.

۴) هرچه واحدهای تولیدی مستقر در نواحی صنعتی دارای کمیت و کیفیت بالاتر تولید نیز قابلیت رقابت بیشتر باشند، به همان اندازه نیز پایدارترند.

## منابع و مآخذ:

- ۱- رحیم‌نیا، فریبرز، ۱۳۷۱، نقش صنایع روستایی در رشد و توسعه کشور، تهران، وزارت جهاد سازندگی (طرح و برنامه صنایع روستایی)
- ۲- رهبر، علی، ۱۳۶۱، نگرشی بر وضع موجود و راه حل بهبود و توسعه صنایع کوچک ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- ۳- شریف‌النسبی، مرتضی، ۱۳۶۴، جایگاه صنعت در برنامه‌ریزی رشد و توسعه مناطق روستایی کشور، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ۴- کمیته فنی دفتر مرکزی جهاد سازندگی، ۱۳۶۵، سمینار استقرار صنعت در روستا، تهران، چاپ اول، انتشارات وزارت جهاد سازندگی.
- ۵- کمیته فنی دفتر مرکزی جهاد سازندگی، ۱۳۶۶، اصول و ضوابط ایجاد و توسعه صنایع روستایی، تهران، وزارت جهاد سازندگی.
- ۶- معاونت عمران و صنایع روستایی، ۱۳۷۲، برنامه پنجاه دوم صنایع روستایی (۷۷-۱۳۷۳) پیشنهادی، تهران، وزارت جهاد سازندگی.
- ۷- معاونت طرح و برنامه وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۶۹، مقدمه‌ای بر توسعه صنایع روستایی با نگاهی به صنایع روستایی ایران، تهران، دفتر مطالعات.
- ۸- وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۷، معاونت طرح و برنامه‌ریزی، گرایشهای کلی وزارت جهاد سازندگی در برنامه پنجاه سوم توسعه، مستندات برنامه سوم، سند شماره ۵۱۸، دفتر مطالعات جامع و نظارت.
- 9- Abraham , J (1994) " Rural Industries and Rural Industrialization in Developing Economy: Indian Experience ", Journal of Rural Reconstruction ; Vol. 27 , PP.45-52.
- 10- Bollman , Ray. D & Bryden , John . M (1997) Rural Employment In OECD .564.P ; stekraM ruobaL lanoigeR fo scimanyD dna erutcurtS : seirtnuoC
- 11- Bhalla , AS (1982) " Rural Industrialization and New Economic Policies in Human (CHINA)", World Employment Programme Research , No. 5 , P. 2-37.
- 12- Das , P.K (1979) Basic Issues , Macro Policies & Components of a Programme of Development , Industry & Development ; No .4 , PP 8-29.
- 13- Guedry , LY(1977)" Employment Impacts of Rural Industrialization Lasalle Parish Louisiana ", Louisiana Rural Economist ; Vol.39 , No.3 , P.3 - 15.
- 14- Haq , M.T (1979) Industrialization in Relation to Integrated Rural Development With Reference to Bangladesh , Industry & Development ; No. 4 , PP. 51-67.
- 15- Liedholm & Kilby (1989) The Role of Nonform activities in the Rural Economy Macmillan press in association with the IEA P. 40
- 16- Michel , H & Ochel ,W (1979) " Rural Industrialization ,Employment and Economic

- Development ", Economic Development and Source Transfer , Workshop , P.31 -44.
- 17- Misra , R . P & Achyuta , R.N (1990) " Micro -Level Rural Planning : Principle , Methods And Case Study ", Concept Publishing Company , New Delhi .
- 18- Parikh , Alka (1996) " Impact of Rural Industrialization on Village Life and Economy : A Social Accounting Matrix Approach ", Economic Development and Cultural Change ; Vol.44 , No.2 P. 351-377.
- 19- Rau , S.K (1985) " Rural Industrialization: Policy & Programmes in Four Asian Countries", Asian Productivity Organization , Tokyo.
- 20- Reardon. Thomas (1995) Link Between Rural Poverty and the Environment in Developing Countries : Asset Categories and Investment poverty world development , vol .23 ,No .9 , PP . 1495-1506
- 21- Rizwanul , Islam (1994) " Rural Industrialization : An Engine of Prosperity in Postform Rural China ",World Development ; Vol.22 , No.11 , PP.1643 -1662.
- 22- Rogers , David (1978) " Industrialization , Income Benefits and The Rural Community ", Rural Sociology ; Vol.43 , No.2 , PP.250 -264.
- 23- Samal .Kishore .C (1997) Rural Non-Farm Activities in Spesific Regions of Orissa ,Journal of Rural Development; Vol.16, No.3 ,PP.457-464.
- 24- Shih , J . T (1985) " Decentralized Industrialization and Rural Non -Farm Employment in Taiwan", Association of Development Research and Training Institutes of Asia and The Pasific.
- 25- UNIDO ,(1984) " The Role of Small and Medium Scale Industries in OIC Member States ", Unido , No.9 , P.487.
- 26- Woldesemait , B (1979) " Prospects for Rural Industrialization in Ethiopia " Ethiopian Journal of Development Research ; Vol.3 ,No.2 , P.15 -31.
- 27- Wong , CPW (1980) " Rural Industrialization in China : Development of the 'Five Small Industries ",Dissertation Abstracts International ; Vol.40, No.8, P.256.
- 28- Zhang .XH (1994) Rural- Urban Migration Restriction Captal Mobility and Rural Industrialization in China ,Chinese Economy in Transition ; Vol.29, PP.20-26.